

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ • ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌راسان سبز •
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ • ۴ رمضان ۱۴۴۶ • ۵ مارس ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۶۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۸:۲۱ • اذان صبح فردا ۵:۰۴ • طلوع آفتاب ۶:۲۸

www.sharghdaily.com aparat.tasvirshargh Telegram:SharghDaily youtube:sharghdaily twitter:sharghdaily instagram:sharghdaily1

هنرخوانی

و اسکار می‌رسد به

«سرزمین دیگری نیست»

«سرزمین دیگری نیست» فیلمی که سیاست‌های جهانی مانع از پخش آن شد، اسکار بهترین مستند را دریافت کرد و شاید این بار سخنان مستندسازان این اثر بیشتر شنیده شود. همان سخنانی که کارگردانانش در مراسم اهدای جوایز اسکار مطرح کردند و در رسانه‌های مختلف آمریکا بازتاب پیدا کرد و البته وزیر فرهنگ اسرائیل را نیز عصبانی کرد. مستند «سرزمین دیگری نیست» به تخریب خانه‌های فلسطینیان در کرانه باختری توسط اسرائیل می‌پردازد و سازندگانش هنگام دریافت جایزه خود، از جهان خواستند برای توقف «پاک‌سازی قومی» فلسطینیان، آزادی گروگان‌ها، و یافتن مسیر عادلانه‌تر برای فلسطینیان اقدام کنند.

دعوت به اقدام جدی برای عدالت

در این مراسم، یازل عدرا، فیلم‌ساز و فعال فلسطینی، در سخنانش گفت: «فیلم ما سرزمین دیگری نیست، بازتاب واقعیت سختی است که دهه‌هاست متحمل شده‌ایم، اما همچنان در برابر آن مقاومت می‌کنیم. ما از جهان می‌خواهیم برای پایان دادن به این بی‌عدالتی و توقف پاک‌سازی قومی مردم فلسطین اقدامات جدی انجام دهد».

این کارگردان جوان فلسطینی گفت: «حدود دو ماه پیش پدر شدم و امیدم برای دخترم این است که زندگی‌ای را که من اکنون تجربه می‌کنم، تجربه نکند؛ زندگی‌ای که همیشه با اندوه، خشونت، تخریب خانه و آوارگی در جنگل‌های فلسطین همراه است. مردم من هر روز با این شرایط زیر سلطه اسرائیل روبه‌رو هستند».

پس از او، بیووال آبراهام، روزنامه‌نگار اسرائیلی و یکی دیگر از کارگردانان فیلم، پشت میکروفون قرار گرفت و گفت: «ما، فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها، این فیلم را با هم ساختیم، زیرا صدایمان وقتی در کنار هم باشد، قوی‌تر است. ما یکدیگر را می‌بینیم، ویرانی هولناک غزه و مردمش که باید متوقف شود و گروگان‌ها باید آزاد شوند». او ادامه داد: «وقتی به یازل نگاه می‌کنم، برادرم را می‌بینم، اما ما برابر نیستیم. من تحت قوانین مدنی آزاد قرار دارم، اما یازل تحت قوانین نظامی زندگی می‌کند، قوانینی که زندگی را نابود می‌کند و او هیچ کنترلی بر آن ندارد».

او در ادامه گفت: «اما راهی دیگر وجود دارد؛ راه‌حلی سیاسی بدون برتری قومی، با حقوق ملی برای هر دو ملت و باید بگویم که سیاست خارجی این کشور (آمریکا) در حال مسدودکردن این مسیر است».

مستندی که امکان پخش نداشت

نیویورک‌تایمز انتخاب «سرزمین دیگری نیست» به‌عنوان بهترین مستند در اسکار را نقطه عطفی مهم اما هم‌زمان یک انتقاد آشکار دانست. با وجود دریافت جوایز متعدد و نقدهای مثبت، هیچ پخش‌کننده‌ای در ایالات متحده حاضر نشد این فیلم را عرضه کند؛ موضوعی که باعث شد بسیاری از تماشاگران آمریکایی نتوانند آن را در سینماها ببینند یا از طریق پلتفرم‌های پخش آنلاین تماشا کنند. این مشکل، «سرزمین دیگری نیست» را به بخشی از یک روند گسترده‌تر در سال‌های اخیر تبدیل کرده است؛ جایی که مستندهای با مضامین حساس، به‌سختی می‌توانند پخش‌کننده‌ای پیدا کنند.

مسیر تا دریافت اسکار

به گزارش لس‌آنجلس‌تایمز، فیلم مستند «سرزمین دیگری نیست» یکی از تحسین‌شده‌ترین مستندهای سال است. این فیلم که در جشنواره بین‌المللی فیلم برلین ۲۰۲۴ دو جایزه دریافت کرد، مورد توجه گروه‌های بزرگ منتقدان قرار گرفته و سرانجام جایزه اسکار را دریافت کرد. این مستند حاصل همکاری تیمی چهارنفره شامل یازل عدرا و حمدان بلال از فلسطین و بیووال آبراهام و راشل سور از اسرائیل است که آن را نوشته، تهیه، تدوین و کارگردانی کرده‌اند. تصویربرداری این فیلم در طی چندین سال و بیش از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تکمیل شده بود. فیلم زندگی روزمره «عدرا» در زادگاهش، منطقه مسافر یط در کرانه باختری را به تصویر می‌کشد؛ جایی که نیروهای نظامی و شهرکنشینان اسرائیلی با پولدورزها و تهدیدها سعی در تخلیه ساکنان آن دارند. «آبراهام» که روزنامه‌نگاری اسرائیلی است نیز تصمیم می‌گیرد این تحولات را پوشش دهد و در این مسیر، او و عدرا بیوندی پیچیده از همکاری و دوستی را تجربه می‌کنند. نام فیلم «سرزمین دیگری نیست» برگرفته از سخنان زنی فلسطینی در فیلم است که می‌پرسد: «دیگر کجا برویم؟»

ماجرای اعمال نگاه‌های سلیقه‌ای و تصمیم‌گیری در مورد پخش یا عدم پخش آثار مختلف، از آن موضوع‌هایی است که صدای خیلی از اهالی هنر را درآورده و باعث نگرانی‌های ادامه‌دار شده است. نمونه این جریان اتفاقی است که به‌تازگی در مورد سریال «تاسیان» رخ داد. سریالی به کارگردانی تینا پاکروان که بعد از پخش سه قسمت از آن با بهانه جوپی‌هایی در محاق توقیف رفت.

پرویز پرستویی که این روزها مشغول بازی در سریال «شکارگاه» به کارگردانی نیما جاویدی شده است، یکی از هنرمندانی است که سال‌هاست از تلویزیون خداحافظی کرده و مدتی است در نمایش خانگی فعالیت می‌کند.

عملکرد تلویزیون در مقایسه با شبکه نمایش خانگی و شیوه نظارتی که این روزها در حوزه وی.او.دی‌ها اعمال می‌شود موضوعی بود که پرستویی در گفت‌وگویی با «شرق» درباره آن بیان کرد: مسئولیت نمایش خانگی در ابتدا به عهده وزارت ارشاد بود اما الان ساترا که زیر نظر صداوسیماست، وارد موضوع شده. من که مدت‌هاست با تلویزیون کاری ندارم و واقعا این رسانه را دیگر نمی‌شناسم. به دور از هر نگاه سیاسی، من از سال ۸۸ یعنی بعد از «آشپزباشی» با تلویزیون خداحافظی کردم، چرا؟ به این دلیل که تلویزیون دیگر نمی‌تواند مخاطب جذب کند. چون خط‌مشی آن تغییر کرده و بیشتر جناحی شده تا وجه ملی‌اش را حفظ کند. الان هم متأسفانه می‌بینیم که با این نگاه ساترا؛ به نمایش خانگی میزیزها و رویکردی که در صداوسیماست، در اینجا هم دخیل شده، در حالی که اوایل شروع فعالیت نمایش خانگی و زمانی که تحت نظارت ارشاد بود، آزادی عمل بیشتری وجود داشت.

این بازیگر با تأکید بر وجود چارچوب‌های لازم برای فعالیت در هر فضای افزود: آزادی عمل به این معنا نیست که هرکاری که دلمان بخواد انجام شیم؛ چراکه خود ما به چارچوب‌هایی مقید هستیم. حتی من در فیلم «خرس» که یکی از تهیه‌کنندگان آن بودم و توقیف شد به وزیر وقت هم گفتم باید از نهایی را با آنچه شما مجوز داده‌اید مقایسه کنیم؛ چراکه در بخش‌هایی شما مجوز آن را داده‌اید اما خود ما سانسور کرده و ستمش نرفتم، چراکه وقتی قرار است با یک اثر به خانه مردم برویم، باید بدانیم که نمی‌شود مخاطبی که ممکن است آن کار را ببیند را تفکیک کنیم. همه آدم‌ها از فیلسوف تا افراد معمولی و هر طیفی می‌تواند آن اثر را ببیند، برای همین ما باید مراقبت این موضوع باشیم.

پرستویی با اشاره به اتفاق اخیری که در مورد سریال «تاسیان» افتاد و آن را به طور ناگهانی گرفتار توقیف کرد، افزود: چیزی که باید جا بیفتد این است که ساترا یا هرجایی که قرار است مجوز دهد باید پای حرفی که می‌زند بماند. ما این مشکل را زمانی در ارشاد هم داشتیم. به عنوان مثال، در حال حاضر ما دو فیلم توقیفی داریم؛ یکی «صد سال به این سال‌ها» اثر سامان مقدم که در توقیف ۱۵ساله است و دیگری فیلم «خرس». من یک بار دیگر هم با مطرح کردم که مثلا شما یک زمین دارید و از شهرداری مجوز می‌گیرید که آن را بسازید، مهندس می‌فرستند و نقشه‌ات را بررسی می‌کنند و براساس آن به شما مجوز ساخت می‌دهند. در ادامه برای پایان کار باز هم بررسی صورت می‌گیرد که طبق همان مجوز اولیه بنا را ساخته باشید. اگر طبق همان باشد دیگر جای گلایه و عدم ارائه مجوز پایان کار نیست. این اتفاقی است که باید در همه حوزه‌ها از جمله فرهنگ هم رخ دهد. اگر ما به یک اثر فرهنگی مجوز ساخت می‌دهیم، باید این قدرت را داشته باشیم که پای آن بمانیم. در سینما این کار را کردیم که بعد از ارائه پروانه ساخت تا زمان پخش باید پروه‌های طی شود اما در طول این مدت ممکن است یکی دو اتفاق در جامعه باعث شود تا آن اثر زیر سؤال برود. اما نباید مسائل بیرونی و جاری را در زمان پخش آن اثر دخیل کنیم.

بازیگر کهنه‌کار و تهیه‌کننده سینما اضافه کرد: اگر من کارگردان براساس آنچه برایش پروانه ساخت



مراسم تشییع پیکر داود احمدی‌مونس (آرویں) هنرمند کرافیست و کاریکاتوریست،

سه‌شنبه ۱۴ اسفند با حضور مردم و اهالی هنر در خانه هنرمندان برگزار شد. عکس: هادی زند، ایسنا

پرویز پرستویی در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به قهر ۱۵ساله با تلویزیون:

این صداوسیما «ملی» نیست و دنبال محدودیت برای نمایش خانگی است

گرفتم، چه در نمایش خانگی و چه در سینما، مسیرم را عوض کردم، طبیعتا آن اشتباه و خلاف را باید رفع و حذف کنم. ولی اگر طبق همان چیزی که از قبل صحبتش مطرح و تأیید شده پیش رفته باشم و شما مانع پخش کار شوید، ضرر زیادی به بار می‌آید و این اقدام ناشایست و دلسردکننده‌ای است که نباید اتفاق بیفتد.

تصمیم‌گیری براساس ضوابط و به دور از نگاه شخصی هم موضوع دیگری بود که پرستویی با یادآوری آن تأکید کرد: در شرایط فعلی و در مورد «تاسیان» هم نمی‌دانم که به چیزهایی مجوز داده‌اند و براساس چه متی و مصوباتی بوده که الان دارند از پخش آن ممانعت می‌کنند؟ واقعا چه اتفاقی افتاده؟ اگر کارگردان برخلاف آنچه مجوز گرفته، اثر را ساخته قاعدتا باید به صورت منطقی اصلاح شود. اما اگر «تاسیان» بر اساس آنچه باید ساخته شده و الان سلیقه آدم‌ها فرق کرده، این تصمیم‌گیری و نگاه خیلی اشتباه است. عواقب چنین

تصمیم‌هایی فقط مادی نیست، بلکه انرژی که کل گروه گذاشته و زحمتی که کشیده‌اند هم بر باد می‌رود. نمونه این جریان «قاتل وحشی» است. این فیلم چند سال است که ساخته شده و خود من هم بارها برای آن پست گذاشتم که شما مجوز دادید تا این کار ساخته شود. حال چرا به آن پروانه نمایش نمی‌دهید؟ اصلا آن را توقیف کردید، پس چرا اعلام کردید که می‌خواهیم در جشنواره کرانش کنیم؟ بعد چه شد که این اتفاق نیفتاد؟ همه اینها ناراضی‌تی و دل‌چرکنی‌به وجود می‌آورد. آن تیم سرمایه و زمانش را گذاشته و الان با چه روحیه و انرژی باید دوباره کار کند؟

او در همین زمینه ادامه داد: در این فضا لازم است که ثبات وجود داشته باشد که وقتی دم از قانون می‌زنیم خودمان بی‌قانونی نکنیم اما این اتفاق در حال حاضر خیلی جاها در حال وقوع است.

پرستویی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به نگرانی که بابت چنین نگاه و تصمیم‌گیری‌های ناگهانی برای تیم‌های تولید ایجاد شده اشاره کرد و گفت: این حکم دادن‌ها باعث می‌شود مثلا مایی که این روزها و در شرایط سخت و پرزحمت در حال تصویربرداری یک سریال هستیم بدانیم چه آینده‌ای در انتظارمان است و در زمان پخش قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ در حالی که به شخصه واقفم این گروه براساس مجوز ساخت در حال پیشروی هستند. یا آقای مصطفی کبابی که «هزار» را ساخته و ۱۷ ماه زمان صرف آن کرده با این دیدگاه ممکن است برای پخش با دشواری‌های دلسردکننده‌ای مواجه شود. به همین دلیل این نگرانی و عدم اطمینان اشاعه پیدا می‌کند. اتفاقی که اصلا جالب نیست.

بازیگر سریال «هم‌گام» با بیان اینکه ما در دل جامعه و کنار مردم هستیم و می‌دانیم چطور باید حرف دل این اجتماع را منعکس کنیم، تصریح کرد: باید این عینک بدبینی برداشته شود؛ چراکه آنهایی که در یک اتاق نشسته‌اند و تصمیم می‌گیرند، همانجا هستند و در همان اتاق تصمیم نهایی را می‌گیرند اما این ماییم که در دل جامعه و با مردم زندگی می‌کنیم و نمی‌خواهیم نگاه مخاطب را منحرف کنیم، بلکه به دنبال آن هستیم که به بهترین شکل سرگرمی یا هر موضوع دیگری که باید را انعکاس داده و به آن بپردازیم. این بازیگر با ابراز ناراضیاتی از محدودیت‌ها در پرداخت به موضوعات مختلف خاطر نشان کرد: چرا امتناع می‌کنیم؟ چرا ما نباید درباره اختلاس و زدزی‌ها صحبت کنیم؟ همه اینها در جامعه در حال وقوع است. رسالت کار ما ایجاب می‌کند که همه اینها را گوشزد کنیم؛ چراکه به اصطلاح نبض جامعه دستانمان است و مثلا خود من هیچ وقت استار نمی‌کنم یا عینک دودی نمی‌زنم، بلکه می‌گویم وقتی کنار مردم باشم، بهتر می‌توانم به مخاطب ارتباط برقرار کنم و خواسته‌های مردم را منعکس کنم. من بعد از خداحافظی از تلویزیون پیشنهادت بسیاری در فضاهای مختلف داشتم اما نپذیرفتم؛ چون مخاطب تحت هر شرایطی برایم قابل احترام است و ترجیحم این است که هرکاری را انجام ندهم.

گزارش خوانی

ردپای نظامی در فرهنگ و تمدن ایرانی

دانشگاه بین‌المللی سوره هم برنامه‌های مختلفی برای مشارکت در

این رویداد ملی و بین‌المللی تدارک دیده‌اند. شالویی در بخش‌ی دیگری از صحبت‌هایش به انتشار و ساخت دو اثر درباره نظامی به کوشش انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اشاره کرد. همچنین مجسمه این حکیم هم سال گذشته از سبوی انجمن و با همکاری سازمان زیاسازی شهرداری تهران در میدان ونک تهران نصب شد. بعد از برگزاری سومین دوره گرامیداشت حکیم نظامی تاکون، در بیشتر شهرها، میادین و خیابان‌های بسیاری به نام حکیم نظامی نام‌گذاری شده‌اند. تاکون سه اثر نمایشی درباره حکیم نظامی آماده شده است. شالویی گف : «همچنین فراخوان جشنواره‌ای با نام استاد دکتر محمد معین به دبیری حسین مسافرآستانه طراحی شده است که از اوایل سال آینده منتشر می‌شود. رویکرد این جشنواره معرفی مفاخر و ادبیان نامی ایران از گذشته تاکنون ازجمله نظامی، مولوی، فردوسی، حافظ و سعدی تا هوشنگ ابتهاج، قیصر امین‌پور، استاد بهمنی، حمید سبزواری و همچنین اخوان ثالث و بسیاری دیگر از این شمار است.»

ردپای هنر نظامی

کاوه خورابه، معاون علمی پژوهشی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در بخشی از صحبت‌هایش به توجه بیشتر به نظامی در سال‌های اخیر اشاره کرد و گفت: «طنی این سالیان، توجه به نام حکیم نظامی، جریان‌هایی را در کشور و در سطح بین‌المللی شکل داده که حاصل آن در چاپ و نشر ۳۳۱ عنوان کتاب، ۵۸۲ مقاله و ۴۴۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری بروز کرده است. در دل فعالیت‌هایی که ذکر شد، جریان‌تی ایجاد شده که دربردارنده توجه ویژه به سرمایه‌های نمادین کشورها و ملت‌هاست. امیدواریم در آینده جشنواره‌ای هم به نام حکیم نظامی در سطوح ملی و بین‌المللی در باشکوه‌ترین شکل ممکن برگزار شود.»

یاد

وداع با یک هنرمند مستقل

پیکر داود احمدی‌مونس، کارتونیست و هنرمند مستقل، در مراسمی از مقابل خانه هنرمندان ایران تشییع شد. این مراسم با حضور چهره‌هایی ازجمله سیف‌الله صمدیان، هادی حیدری، جواد علیزاده، اردشیر رستمی، حسن کریم‌زاده، سیداحمد محیط‌طباطبایی، رضا کیانیان و نادره رضایی برگزار شد.

کاریکاتور: طنز تلخ زندگی

هادی حیدری، کارتونیست و روزنامه‌نگار که اجرای مراسم را نیز بر عهده داشت، در سخنانش گفت: «زمانه با آروین سر سازگاری نداشت. شرایط کاری و زندگی او پر از تلاطم بود. جان شیفته‌ای که در ۴۱سالگی از دنیا رفت، نماد نسلی است که برای آرزوهایشان جنگیدند، اما توفان‌های زمانه، آنها را به انزوا کشاند.»

پس از او، جواد علیزاده، کارتونیست برجسته، از نخستین و آخرین دیدار خود با آروین سخن گفت: «سال ۷۵ اولین اثرش را برایم فرستاد. سبک و سوزه‌های خاصی داشت. در آخرین دیدارمان در بیمارستان، می‌دانستم که امیدی نیست، اما باز هم امیدوار بودیم.»

او در ادامه به ماهیت طنز در هنر اشاره کرد: «کاریکاتوریست باید مردم را بخنداند، اما وقتی یک طنزپرداز از دنیا می‌رود، معلوم نیست باید کربه کنیم یا بخندیم. آروین عاشق و آشفته بود، اما در کارهایش سوزه‌هایی جذاب را به تصویر می‌کشید و سبکی خاصی داشت. تحت تأثیر هیچ‌کس نبود و همین او را بی‌همتا می‌کرد.»

حسرتی که ماند

سیف‌الله صمدیان، عکاس سرشناس، از حسرت خود گفت: «این روزها به این فکر می‌کنم که چ‌را در روزهای آخر به بیمارستان نرفتم. هرچند تلفنی با او صحبت می‌کردم، اما سخت است که حالا کنار من خوابیده باشد و من از او حرف بزنم.»

او در ادامه به تحلیل خود از تنهایی و مرگ در دنیای معاصر پرداخت: «از ابتدای تولد، ما دو چیز را به ارث می‌بریم؛ تنهایی و مرگ. این روزها، این دو مفهوم را بی‌رحمانه‌تر حس می‌کنیم. فضای مجازی که قرار بود ما را به هم نزدیک کند، بیشتر از هم دورمان کرده است. مرگ هم که همیشه در کمین بود، حالا وحشتناک‌تر و بی‌رحم‌تر شده است.»

او با لحنی تأمل‌برانگیز افزود: «امروز انکار برای تشییع خودمان هم اینجا هستیم؛ برای وداع با انسان معاصر که در جهان آشفته امروز، سر جای خودش قرار نرفته است.»

هنرمندی که هرگز تسلیم نشد

اردشیر رستمی، شاعر و طنزپرداز، از حضار خواست برای خاطرات خوب آروین دست بزنند و گفت: «آروین با تمام مشکلات، تسلیم نشد. او در دورانی زندگی کرد که به جاودانگی رسید.»

مرگ ساده است، زندگی پیچیده‌تر

رضا کیانیان، بازیگر شناخته‌شده سینما و تئاتر، در سخنانش تأکید کرد: «آروین را از نزدیک نمی‌شناختم، اما کارهایش را دنبال می‌کردم. خیر فقدان او برایم شوکه‌کننده بود. هر روز ثابت می‌شود که مرگ پیچیده نیست، بلکه زندگی است که ما را گرفتار می‌کند.» او در ادامه به نقش کاریکاتور در جامعه پرداخت: «کاریکاتور به ما نشان می‌دهد چطور می‌تون به تلخی‌ها خندید. وقتی کارهای آروین را می‌دیدم، حس می‌کردم شاید یک اردشیر محصص دیگر در حال ظهور است، اما نشد…».

اسدالله امرایی، مترجم و نویسنده، به یاد روزنامه «زن» از آروین یاد کرد. او همچنین گفت: «هنرمندان خیرخواهان این سرزمین‌اند، حتی پس از مرگشان.» سیداحمد محیط‌طباطبایی، از دوستان نزدیک آروین، در این مراسم گفت: «یک کاریکاتوریست، جامعه را همان‌گونه که هست می‌بیند؛ برجستگی‌های آن را می‌شناسد و در مقام وجدان آگاه عسل می‌کشد. آروین چنین جایگاهی داشت. صحبت‌هایش به تفکر وامی‌داشت و دوستی‌هایش بر پایه رفاقت واقعی بود. تأثیرگذاری او، محبتش و حضورش برای همیشه ماندگار خواهد ماند.»

آروین، فرزندی که ایران را ترک نکرد

در پایان مراسم، خاله آروین که از کودکی در کنار او بود، به نمایندگی از خانواده سخن گفت: «آروین برای من فقط خواهرزاده نبود، پسرم بود. او پدر نداشت، اما بزرگ شد و راه خود را پیدا کرد. کارتونیست، نقاش و طراح بود، اما ساده زندگی کرد. او عاشق ایران بود و می‌توانست از اینجا برود، اما نرفت، فقط یک آرزو داشت؛ روزی در قطعه هنرمندان دفن شود.»